



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی با گرایش
آموزش و پرورش تطبیقی

عنوان پایان نامه :

بررسی تطبیقی شیوه های مدیریت مدارس ابتدایی درکشور های ایران، ژاپن و
انگلیس جهت الگوی مناسب

استاد راهنما :

دکتر احمد آقازاده

استاد مشاور :

دکتر عباس عباس پور

استاد داور:

دکتر جمال الدین کولایی نژاد

پژوهشگر :

قنبر گل پرست

مهر ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تشکر و قدردانی از استاد گرامی:

جناب آقای دکتر آقازاده که با نکته سنجی هایی دقیق و پیگیرانه در مسیر اجرای این پژوهش مرا یاری نمودند .

تشکر و قدردانی از استاد ارجمندم :

جناب آقای دکتر عباس پور که با رهنمودها و نظرات ارزشمند خود مرا در انجام این پژوهش هدایت نمودند .

تشکر و قدردانی از استاد محترم :

سرکارانی که با راهنمایی دلسوزش مرا یاری فرمودند.

تشکر و قدردانی از استاد محترم:

آقای دکتر جمال الدین کولایی نژاد که داوری این تحقیق را متقبل نمودند.

تقدیم به:

روح پدرم، که همیشه آروزی سربلندی مراد علم دانش، زندگی، از خدامند منان خواستار بود.

مادر صبور، مهربان و فداکارم که اگر لطف هایش نبود، آنچه که امروز دارم، نمی داشتم و در همان ابتدای راه رفتن، باز می ماندم.

تقدیم به همسر فداکار و مهربانم که با قدوم مبارکش، انگیزه ام را برای اتمام هرچه سریع تر و بهتر تحقیقم دوچندان کرد.

تقدیم به برادرم حبیب که در نبود پدر، حمایت های لازمه را از بنده در تمام جهات به عمل آورد.

چکیده:

اغلب کشورهای جهان از جمله کشورهای پیشرفته جهت بهبود اثر بخشی و کارآمدی مدارس، مدیریت مدارس کشور خودشان را به سمت مدیریت غیرمتمرکز سوق داده اند. یکی از راهبردهایی که از طرف این کشورها از جمله کشور انگلیس به کار گرفته شده است، خودگردان کردن مدیریت مدارس می باشد. مدیریت مدارس یا تصمیم گیری مشارکتی در مدرسه، یک بازنگری در مدارس به ویژه برای مدارس دولتی است که انحصار قدرت تصمیم گیری را از یک ناحیه مرکزی، به یک مدرسه به منظور بهبود عملکرد آن مدرسه به دنبال دارد. این فرایند، منجر به افزایش سطح دخالت و درگیری مدرسه در اداره امور خود گشته است. بسیاری از کشورها از جمله کشور ژاپن و انگلیس، با به کارگیری این راهبرد، از ظرفیت نهاد های موجود در مدارس در کلیه ی تصمیم گیریهای مدرسه استفاده می کنند و مشارکت حداکثری آنان را جلب می نمایند.

در این تحقیق تلاش شده است که تجربیات کشورهای انگلیس و ژاپن در مدیریت مدارس ابتدایی، در مواردی چون شیوه مدیریت مدارس ابتدایی؛ شیوه گزینش، تربیت و استخدام مدیران مدارس؛ اصول حاکم بر مدیریت مدارس؛ نهاد های تصمیم گیرنده در مدارس و اختیارات و مسئولیت های آنان؛ رابطه بین مدیران و نهاد های موجود در مدارس؛ رابطه بین مدیران و نهاد های موجود در مدارس با مدیریت آموزش و پرورش؛ مورد بررسی قرار گیرد. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش عبارت از جنبه های مختلف مدیریت مدارس ابتدایی در سه کشور ایران، ژاپن و انگلیس بود. داده های پژوهش از طریق مطالعه کتب مربوط به این موضوع، پایان نامه های فارغ التحصیلان تحصیلات تکمیلی، مقالات مندرج در مجلات مختلف، نماها، سایت های مختلف اینترنتی و سایت آموزش و پرورش ژاپن و انگلیس، مقالات و کتب لاتین مربوط به موضوع، گردآوری شد و در داخل کشور از طریق مصاحبه و اجرای پرسش نامه در شهرستان پارس، اطلاعات لازم جمع آوری گردید و در نهایت، از روش فرانک هیگلر تحلیل لازم بعمل آمد. نتایج بدست آمده در این پژوهش نشان داد که مدیریت مدارس ابتدایی در ایران عمده به شیوه متمرکز اداره

می شود و این موضوع نهاد های تصمیم گیرنده در سطح مدرسه و مدیران مدارس را در تعیین و تدوین راهبردها، سیاست گذاریها، قانون گذاریها، از جمله استخدام و گزینش مدیران مدارس، برنامه ریزی های آموزشی و تربیتی مدارس، از کانون تصمیم و مداخله و مشارکت دور نگه داشته و به این نهاد ها و مدیران مدارس در تصمیم گیریهای آموزشی و اداری از طرف مدیریت آموزش و پرورش از دید تشریفاتی نگاه می شود. هر چند ارتباط بین مدیران، نهادهای موجود در مدارس و مدیریت آموزش و پرورش با هم صمیمی و دوستانه است، اما بدلیل تحمیل نظرات و دستورات از طرف مدیریت آموزش و پرورش به مدیران و تحمیل نظرات از طرف مدیر به نهاد های موجود در مدرسه، رابطه دوستانه و صمیمی بین آنان سرد و خشک شده و اعتماد و احترام آنان به یگدیگر کم رنگتر و سست تر شده است. از این رو، جهت گیری به سمت مدیریت مدارس ابتدایی در ایران به شیوه غیرمتمرکز و خود گردان یک ضرورت اجتناب ناپذیر است و با این روش مدیریت، باید اداره مدارس رابه مدیران و نهاد های موجود در مدارس واگذار نمود و اختیارات لازم را به آنان تفویض کرد. **تنگناهای و نارساییهای موجود در مدارس ابتدایی ایران عبارت است از:** ۱- متمرکز بودن مدیریت مدارس. ۲- اصل کم توجهی به اهمیت و ضرورت جذب، تربیت و تأمین مدیران مدارس. ۳- انتصابی بودن مدیران مدارس. ۴- عدم توجه به اصل استقلال مدیران مدارس در تصمیم گیری و سیاست گذاری امور

کلمات کلیدی:

مدیریت - آموزش ابتدایی - مدیریت آموزشی - اصول - مدیریت متمرکز - مدیریت غیر متمرکز - مدیریت مدرسه محور - مدیریت مشارکتی - آموزش و پرورش تطبیقی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات پژوهش.....	۱۱
۱-۱- مقدمه.....	۱۲
۱-۲- بیان مسئله.....	۱۵
۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۱۷
اهداف پژوهش.....	۱۹
۱-۵- سؤالات پژوهش.....	۲۰
۱-۶- تعریف واژگان و اصلاحات.....	۲۱
فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش.....	۲۶
۲-۱- مقدمه.....	۲۷
۲-۲- تاریخچه مدیریت.....	۲۷
۲-۳- تعریف مدیریت آموزشی.....	۲۷
۲-۴- اهمیت و ضرورت مدیریت آموزشی.....	۲۸
۲-۵- بنیادها و مبانی مربوط به شیوه مدیریت آموزشی.....	۲۹
۲-۵-۱- مدیریت متمرکز.....	۳۱
۲-۵-۲- مدیریت غیرمتمرکز.....	۳۲
۲-۶- معایب و محاسن مدیریت متمرکز و غیر متمرکز.....	۳۲
۲-۶-۱- معایب مدیریت متمرکز.....	۳۲
۲-۶-۲- محاسن مدیریت متمرکز.....	۳۲
۲-۶-۳- محاسن مدیریت غیرمتمرکز.....	۳۴

- ۳۴-۲-۶-۴- معایب مدیریت غیرمتمرکز.....
- ۳۵-۲-۷- تمرکز و تمرکززدایی ساختاری.....
- ۳۷-۲-۸- شرایط لازم جهت عدم تمرکز.....
- ۴۱-۲-۹- ویژگی نظام آموزشی با ساختار متمرکز و غیرمتمرکز.....
- ۴۱-۲-۱۰- دلایل تمرکززدایی و تفویض اختیار.....
- ۴۲-۲-۱۱- چگونه سیستم آموزشی را غیرمتمرکز کنیم.....
- ۴۳-۲-۱۲- مدیریت مشارکتی.....
- ۴۵-۲-۱۳- تعریف مدیریت مدرسه محور.....
- ۴۶-۲-۱۴- اهداف مدرسه محوری.....
- ۴۷-۲-۱۵- محدودیت های مدرسه محور.....
- ۴۸-۲-۱۶- چرا مدیریت مدرسه محور(SBM)؟.....
- ۵۰-۲-۱۷- دوره ابتدایی.....
- ۵۰-۲-۱۸- مدیریت مدرسه ابتدایی.....
- ۵۰-۲-۱۹- اهمیت و ضرورت مدیریت مدارس ابتدایی و شرایط انتخاب مدیران.....
- ۵۲-۲-۲۰- وضعیت مدیریت مدارس ابتدایی در ایران.....
- ۵۳-۲-۲۱- وضعیت مدیریت ابتدایی در جهان.....
- ۵۴-۲-۲۲- پیشینه و سوابق تحقیق.....
- ۵۵-۲-۲۲-۱- پیشینه داخلی.....
- ۶۷-۲-۲۲-۲- پیشینه خارجی.....
- ۷۱-2-23-2- نتیجه گیری.....
- ۷۳- فصل سوم: روش شناسی.....
- ۷۴-۳-۱- مقدمه.....

۷۴.....	۳-۲- روش گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات.....
۷۵.....	۳-۳- شیوه گردآوری اطلاعات.....
۷۷.....	فصل چهار: یافته های پژوهش.....
۷۸.....	۴-۱- مقدمه.....
۷۸.....	۴-۲- بررسی سؤال ۱.....
۱۰۱.....	۴-۳- بررسی سؤال ۲.....
۱۱۷.....	۴-۴- بررسی سؤال ۳.....
۱۴۱.....	۴-۵- بررسی سؤال ۴.....
۱۵۲.....	۴-۶- بررسی سؤال ۵.....
۱۷۸.....	۴-۷- بررسی سؤال ۶.....
۱۸۶.....	۴-۸- بررسی سؤال ۷.....
۱۹۷.....	۴-۹- بررسی سؤال ۸.....
۲۱۳.....	۴-۱۰- بررسی سؤال ۹.....
۲۴۹.....	فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری.....
۲۵۰.....	۵-۱- مقدمه.....
۲۵۱.....	۵-۲- بحث و نتیجه گیری.....
۲۶۷.....	۵-۳- محدودیت پژوهش.....
۲۶۸.....	۵-۴- پیشنهادات کاربردی.....
۲۷۰.....	۵-۵- پیشنهاد برای محققان آینده.....
۲۷۲.....	منابع.....
۲۸۹.....	پیوست و ضمائم.....

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول شماره (۱-۲) مقایسه مفروضات نظریه ای سنتی و جدید.....	۲۹
جدول شماره (۲-۲) آزادی زبردستان و قدرت مدیر د رمدیریت مدارس در ایران.....	۴۴
جدول شماره (۲-۴) شرایط اختصاصی گزینش مدیران مدارس در ایران.....	۹۰
جدول شماره (۳-۴) وجوه تفاوت و تشابه شیوه گزینش، تربیت و استخدام مدیران	
مدارس ابتدایی د رکشور ایران، ژاپن و انگلیس.....	۹۹
جدول شماره (۴-۴) آمار مدرک تحصیلی مدیران مدارس ایران د رسال ۷۹-۱۳۷۸.....	۱۰۴
جدول شماره (۵-۴) وجوه تفاوت و تشابه شیوه مدیریت مدارس ابتدایی در ایران، ژاپن	
وانگلیس.....	۱۲۵
جدول شماره (۶-۴) سیر تغییر و تحول مدیریت مدارس د رکشو رایران، ژاپن وانگلیس.....	۱۳۸
جدول شماره (۷-۴) نهاد های تصمیم گیرنده درمدیریت مدارس ابتدایی در سه کشور ایران، ژاپن و	
انگلیس.....	۱۵۰
جدول شماره (۸-۴) اختیارات و مسئولیت های نهاد های تصمیم گیرنده در مدارس ابتدایی ایران،	
ژاپن وانگلیس.....	۱۷۳-۱۷۴
جدول شماره (۹-۴) رابطه بین مدیران و نهادهای تصمیم گیرنده در مدارس ابتدایی ایران، ژاپن	
وانگلیس.....	۱۸۳
جدول شماره (۱۰-۴) رابطه بین مدیران و نهاد های تصمیم گیرنده با مدیریت آموزش و پرورش،	
د رمدارس ابتدایی ایران، انگلیس و ژاپن.....	۱۹۵
جدول شماره (۱۱-۴) تدابیر و راهکارهای انگلیس و ژاپن در گزینش، تربیت و استخدام مدیران	
مدارس.....	۲۱۱
جدول شماره (۱۲-۴) اصول حاکم بر مدیریت مدارس د رکشور ایران، ژاپن	
وانگلیس.....	۲۴۷

فهرست نمودار

عنوان	صفحه
نمودار شماره (۲-۱) تمرکز کرایبی ساختاری.....	۳۶
نمودار شماره (۲-۲) تمرکز زدایی ساختاری.....	۳۷
نمودار شماره (۳-۲) تمرکز ساختاری.....	۳۸
نمودار شماره (۴-۲) تمرکز زدایی ساختاری.....	۳۸
نمودار شماره (۶-۳) شیوه انجام پژوهش در مراحل چهارگانه روش تحقیق هیگلر.....	۷۶
نمودار شماره (۷-۴) ساختار سازمانی مدیریت مدارس در ژاپن.....	۱۰۵

پیوستها

عنوان	صفحه
پیوست شماره (۱) چارت سازمانی تشکیلات وزارت معارف و صنایع مستظرفه (۱۲۸۹).....	۲۹۰
پیوست شماره (۲) ارتباط بین شورای آموزش و پرورش مدارس ژاپن.....	۲۹۱
پیوست شماره (۳) پرسشنامه.....	۲۹۲

فصل اول:

کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه:

«اگر قرار است که تحولی در عرصه ی تعلیم و تربیت به وقوع پیوندد این تحول و دگرگونی باید از مدیریت آموزش و پرورش آغاز گردد»
«فلیپ کومبز»

مدیریت و رهبری موضوعی است که از دیرباز مورد توجه صاحب نظران و اندیشمندان علوم اجتماعی و رفتاری قرار گرفته است و امروزه اهمیت و ضرورت آن بر هیچ کسی پوشیده نیست.

مدیریت در آموزش و پرورش و به ویژه مدیریت ابتدایی از اهمیت زیادی برخوردار است. چرا که این مرکز مکانی است که افراد کم سن جامعه حساس ترین دوره زندگی خود را در آن سپری می کنند و به فعالیت مشغول هستند. مربیان و مدیران این مراکز باید آنچنان از دانش، مهارت و نگرش مثبت و مساعد به کارو فعالیت برخوردار باشند که بتوانند به شکلی صحیح و علمی با ظرایف و پیچیده گی های تربیت و آموزش کودکان برخوردار نمایند و به شیوه های مطلوب و شایسته نیاز های آنان را در ابعاد متفاوت پاسخگو باشند (سلیمانی، ۱۳۸۳).

در نیم قرن اخیر، شیوه های مدیریت در نظام های آموزشی، دست خوش تغییرات زیادی کرده است. طرح نظرها و اندیشه های جدید و متفاوت از سوی صاحب نظران رشته های مدیریت و آموزش و پرورش از یک سو، و نیاز به بهبود کیفی عملکردها و نتایج آموزش و پرورش از سوی دیگر، ضرورت و اهمیت تحول و دگرگونی تکنولوژی و مدیریت آموزشی را بر گرداننده گان نظام آموزشی آشکار کرده است.

مطالعه تطبیقی تاریخ مدیریت آموزشی در نظامهای آموزش و پرورش کشورها، به وضوح نشان می دهد که تحول اندیشه های مدیریت در آموزش و پرورش نیز مانند سایر زمینه های فعالیت اجتماعی، در سه مرحله اتفاق افتاده که با استفاده از طبقه بندی مهارت های سه گانه مدیریت، می توان آنها را مراحل فنی، انسانی، و ادراکی (مفهومی) نامید. در نظام آموزشی ما، غالباً سعی بر آن است که مدیریت و رهبری از طریق اعمال ضوابط و مقررات صورت گیرد. به جای تکیه بر تحقیق و دستیابی به چارچوب نظری هدایت کننده عمل، به تدارک و تدوین روشها و رویه های استاندارد برای اداره فعالیت های آموزشی و پرورشی تأکید می شود. این گونه ضوابط، مدیران را در مقام انجام کارهایی قرار می دهد که باید انجام دهند، ولی

اگر مدیران آموزشی برای انجام وظایف رهبری و مدیریت تربیت شوند واز مبانی فکری یا چارچوب نظری معتبری برخوردار باشند، در این صورت، بر پایه شناخت و تشخیص خود، خواهند توانست که در موقعیت های عملی چه می توانند انجام دهند و چگونه می توانند وظایف خود را بهتر و موثرتر انجام دهند... . امروزه، به ویژه در آموزش و پرورش، نیاز به مدیران ورهبرانی است که نه فقط در امر تعلیم و تربیت مجرب و صاحب نظر باشند، بلکه در تشخیص مسایل ومشکلات اداری و سازمانی نیز دقت ومهارت داشته باشند (علاقه بند، ۱۳۷۱).

دانش مدیریت موضوعی است که همواره با زندگی اجتماعی انسان در طول قرن ها وعصرها، مطرح بوده ونقش گردآندگان جوامع در ترقی وتکامل انسانها بر همگان واضح وآشکار است. مدیریت یکی از پیچیده ترین حرفه های جهان واحدها آموزشی،از پرتلاش ترین اعضای جامعه یک کشور به احساب می آیند، زیرا مدرسه کارخانه آدم سازی است وانواع آدمها را می گیرد، تربیتشان می کند. جان و خردشان راز قوه به فعل در می آورد، و به تمام معنی آنان را می سازد وبه جامعه انسانی تحویلشان می دهد؛ بدیهی است که ارزشمندی این محصول می تواند از محدوده یک انسان آغاز وتا تمامی عالم کسترش می یابد. برخی مدیریت را هم علم می دانند وهم هنر و اعتقادشان بر این است که، یک مدیر در محیط آموزشی با عوامل انسانی گوناگونی از جمله: معلمان، اولیا ومربیان، دانش آموزان و...وسر کار دارد تا توجه به بعد دیگر آن که خانه ومدرسه است، ایجاد روابط حسنه ما بین این عوامل، نگرشی وسیع را طلب می کند که یک مدیر لایق با سعه صدر و با استقامت وکاردانی و علم و هنر مدیریت بتوان آن را به انجام برساند.

مدیریت در دوره ابتدایی، از حساس ترین وپراهمیت ترین مدیریت های آموزشگاهی است. دوره ابتدایی، دوره ای است که معمولاً کودک، نخستین بار محیط خارج از خانه را تجربه می کند و با واقعیت اجتماعی روبه رو می شود. او معنی ومفهوم نقش اجتماعی را درک می کند وبا همین تجربیات و ادراکها، شخصیت خود را شکل می دهد. بدون تردید، هر گونه احساس مطبوع، نامطبوع یا مطلوب و نامطلوبی که از این برخوردهای اولیه به دست می آورد، بر نگرش او تأثیر می گذارد. مدیریت دبستان می تواند از

طریق فرایند های مدیریتی مانند برنامه ریزی ، سازماندهی، نظارت و کنترل و ارائه الگوهای رفتاری مناسب و فراهم آوردن زمینه های آموزش و یادگیری بهتر بر پایه ی نیازها و ویژگیهای رشدی دانش آموزان، با همکاری معلمان، اولیا و مقامات آموزش و پرورش در این دوره ی حساس به تحقیق اهداف تعلیم و تربیت کمک کند.

نقش مدیریت دوره ابتدایی، تنها به مثابه مسئول تمام برنامه ها و همه افراد مدرسه مطرح نیست. مدیر ابتدایی اساساً یک هماهنگ کننده، مشاور و رهبر آموزشی به حساب می آید که با بهره گیری از تمام منابع و امکانات قابل دسترس موثر و مربوط به امر آموزش کودکان ، شرایط لازم و کافی شرکت آنان را در فعالیت های آموزشی و پرورشی، با کمترین موانع، محدودیتها و تداخل فراهم می آورد و سبب پیشرفت تحصیلی آنها و رسیدن به اهداف تربیتی می شود.(میرکمالی، ۱۳۷۳).

نقش اساسی مدیر دوره ابتدایی، کمک به شناسایی و پیدا کردن مسایل و ارائه راه حل های مناسب، هماهنگی و همکاری بین مراحل گوناگون برنامه مدرسه، مشورت با احاد و گروههای معلمان، اولیا و مقامات آموزشی و استفاده از نظرات و امکانات آنان است. نقش رهبری او ایجاد می کند که آمادگی حل مشکلات آموزشی و تربیتی را داشته باشد و سبب پیدایی زمینه های مناسب همکاری، همگامی و هماهنگی جنبه های گوناگون برنامه های مدرسه شود.

قطعاً مدیران مدرسه به عنوان عوامل اجرایی برنامه های نظام تعلیم و تربیت نقشی بس عظیم در تحقیق اهداف آموزشی و پرورشی و بهبود کیفیت آموزش و پرورش و بهره گیری مناسب از امکانات و تجهیزات و منابع انسانی دارند و از میان مدارس ابتدایی به لحاظ تأثیر پذیری بیشتر کودک در این دوره ی سنی و اینکه پایه تربیت اجتماعی کودک در این مرحله نهاده شده از اهمیت خاص برخوردار است. چنانچه در اهمیت این مقطع آمده : ((مدیریت بر کودک و کار کردن با آنان امری است ظریف، دقیق، حساس و مفید و موثر، و کار کردن با کودکان صبر و آرامش و دلسوزی و وقت گذاری و عشق به کودکان و آگاهی از دنیای پرشور و حساس آنان را می طلبد (صافی، ۱۳۷۲).

به خاطر اهمیت این مقطع است که مدیریت و رهبری سازمانهای آموزشی که ترکیبی پیچیده از معلم، کارکنان، دانش آموزان و با اهداف و نیازهای متعدد شرایط سنی و شخصیتی متفاوت از طرفی متأثر از محیط اجتماعی و خواستههای آن می باشد، امری مشکل و مدیریت این مقطع به مدیران کارآمد و مجرب و همچنین مشارکت و همکاری والدین، انجمن های دانش آموزان و مربیان، مدیران مدارس جهت بهبود برنامه های آموزشی و درسی و بهبود کیفیت مدیریت مدارس نیازمند است.

۱-۲ بیان مساله

امروزه، هنر مدیریت و تعلیم و تربیت انسانها را از دشوارترین، ظریف ترین و پرتنوع ترین کارهای آدمی می دانند و به مدیریت تا آن حد اهمیت می دهند که هنر و علم اداره کردن را از شاخص های عمده تمدن معاصر اعلام می نمایند. از میان اینها مدیریت بر نظام آموزشی با اهمیت ترین و حساس ترین دانش حاضر به شمار می رود. چرا که ثمره آموزش و پرورش توأم با مدیریت های مطلوب و مناسب از یک طرف، تبدیل انسانهای خام به انسانهای خلاق و رشد یافته از طرف دیگر تأمین کننده احتیاجات نیروی انسانی هر جامعه در سطوح مختلف و در بخش های متفاوت فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی است. در ایران به علت افزایش جمعیت و استقبال روزافزون از ثبت نام و حضور در دوره های مختلف تحصیلی از جمله مدارس ابتدایی، نیازمند به وجود مدیران آموزشی کارآمد و ماهر را نشان می دهد. این مدیران برای ایفای نقش و رسالت اساسی خود باید از مهارت های انسانی، ادراکی و فنی برخوردار باشند، و قادر باشند از هنر علم و تجربه مدیریت در محقق شدن اهداف آموزشی و بازدهی و کارایی بیشتر، حداقل تلاش را بکنند (صافی، ۱۳۸۰، ص ۱۳).

نگاه تحلیلی به روند تغییرات در تشکیلات اداری آموزش و پرورش از یک سو، و نیز بررسی شرح وظایف وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی آموزش و پرورش و سایر حوزه های ستادی نظام آموزشی از سوی دیگر، نشان دهنده آن است که علاوه بر تصویب قانون تشکیل شوراهایی آموزشی و پرورش مناطق در سال ۷۴، با این هدف که مشارکتهای مردمی را در تأمین منابع مالی و اداره امور آموزش افزایش دهند، این شوراهای نتوانسته اند با تعیین اولویت هایی محلی و منطقه ای در برنامه، فعالیت های آموزشی و اداری خود از طریق بهره گیری از شیوه ها و سیاست های مردم سالارانه اقدامات مؤثری به عمل آورند، همچنین با

گذشت نزدیک به یک دهه ، وزارت آموزش و پرورش با نظام پیچیده و گسترده و متمرکز خود هنوز نتوانسته است با تفویض اختیارات سازمانی به مقامات محلی آموزش و پرورش زمینه را جهت سوق دادن تدریجی نظام متمرکز اداری و اجرای به نظام غیر متمرکز فراهم سازد (اقزاده، ۱۳۸۳، ص ۴۶). در تأیید مطالب فوق، اشاعه دیوان سالاری و گسترش ب رویه تشکیلات و سازمان مرکزی باعث شده است که تصمیم گیریها به صورت سلسله مراتب، از بالاترین مقام انجام گیرد و مدیران و مربیان مدارس در تصمیم گیری در مورد امور مدارس به دور داشته شوند، که این امر باعث بی انگیزه شدن مدیران و مربیان در امر یادگیری و مدیریت مدارس شده و از مشارکت مقامات محلی و انجمن ها در مدیریت و تصمیم گیری در امور مدارس جلو گیری کرده است، و این امر مانع پیشرفت کارایی مدیریت مدارس و امر یادگیری شده است.

مدارس ابتدایی به عنوان سنگرداران خط مقدم تعلیم و تربیت که بیشترین تعداد یادگیرنده را در خود جای داده است، قشر عظیمی از نیرو های انسانی از جمله معلمان و مدیران در این مقطع مشغول فعالیت هستند. مدیران وظیفه هماهنگی در مدرسه و هدایت فعالیت معلمان و دانش را به سازماندهی مؤثر منابع و کنترل مؤثر به عهده دارند. از یک طرف پاسخگوی نیازهای معلمان و دانش آموزان و از طرف دیگر پاسخگو و مسئول در برابر جامعه هستند. معلمان به عنوان مجریان آموزش و نزدیکترین افراد به دانش آموزان و مؤثرترین منابع در تحقق اهداف تعلیم و تربیت هستند، با توجه به اینکه بیشترین هزینه های آموزش و پرورش به این مقطع اختصاص می یابد و علارغم آگاهی به اهمیت این دوره سنی و تأثیری که آموزش ابتدایی در روند رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جامعه دارد، به نظرمی آید، به مسأله مدیریت مدارس در این مقطع توجه در خور شایسته، اهمیت نمی دهند. در تأیید این مطالب دکتر علاقه بند بیان می دارد که: ((در بهترین شرایط مدیریت مدارس و ادارات بخشهای آموزش و پرورش به افرادی سپرده می شود که سابقه تجربه معلمی داشته و در زمینه مدیریت و رهبری دانش و مهارت لازم و کافی را ندارد)) (علاقه بند، ۱۳۶۹).

با توجه به مطالب گفته شده این سؤالات مطرح می شود که آیا شورای وانجمن هایی موجود در مدارس در مدیریت و اداره مدارس مشارکتی دارند؟ آیا بین مدیران و انجمن ها ارتباطی وجود دارد؟ آیا مدیران مدارس در تعیین و انتخاب برنامه های درسی و آموزشی دارای اختیاراتی هستند؟ آیا بین مدیران مدارس

ونظام آموزشی ارتباط مناسبی وجود دارد؟ گزینش، تربیت، جذب و استخدام مدیران دوره ابتدایی چگونه است؟ و مسایل دیگری که میتواند مطرح بشود.

در دنیای امروز، شیوه اداره آموزش و پرورش از جمله مدارس ابتدایی، برای همه ملتها چه کشورهای پیشرفته و چه در حال رشد از اهمیت ویژه ای برخوردار است، در واقع بررسی سیر تحول نظام های آموزش کشورهای موفق نشان می دهد که این کشورها به مطالعات و پژوهش هایی تطبیقی در زمینه های مختلف آموزش و پرورش تأکید می ورزند و از آن به عنوان شرط لازم برای طراحی نظام های آموزشی نوین خویش و همچنین پایه گذاری و توسعه یک نظام آموزشی کارا و نوین نام می برند. چشم اندازی روشن به طرز عمل نظام آموزشی کشورهای دیگر، شرایط نقد و انتقاد و مسأله گشایی از نظام آموزش و پرورش خویش را مهیا می سازد و گردانندگان و اداره کنندگان چنین نظامی را در کشف حقایق تربیتی و تجزیه و تحلیل اشتباهات آموزشی و اتخاذ تدابیری در جهت بهبود و درمان آن یاری می دهد (آقازاده، ۱۳۸۳). بدین دلیل این پژوهش در نظر دارد، شیوه مدیریت مدارس دوره ابتدایی در ایران را با کشورهای ژاپن و انگلیس بررسی و مقایسه نموده، تا در پرتوی چنین مقایسه ای به اطلاعاتی فراتر از سطح ملی دست یافته و با برداشتی بین المللی و البته با در نظر گرفتن شرایط، تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورمان به مسایل مدیریت مدارس ابتدایی توجه نموده و از تجربیات کشورهای ژاپن و انگلیس استفاده نماییم، و در یابیم که کشورهای مذکور در چه شرایطی و با اجرای چه سیاست هایی موفقیت ها و ناکامیها را تجربه کرده اند، و برای حل مشکلات مدیریت مدارس، چه راهکارها و استراتژیهای را در پیش گرفته اند. پژوهشگر امیدوار است که یافته های پژوهش راهگشای سیاستگذاران و برنامه ریزان آموزش و پرورش در جهت رفع معضلات و افزایش کارایی مدیریت مدارس ابتدایی کشورمان باشد.

۳-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

در دنیای امروزه، ضرورت و نقش دوره ابتدایی را نه تنها به طور اعم، عامل توسعه مهارتها و قابلیت ها ی شناختی و آموزش و آماده کردن کودکان برای ورود به درجه بالای تحصیلی نمی دانند بلکه به طور اخص عامل و پایه هر گونه تغییر و تحول بنیادین در عرصه رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی

می دانند (آقازاده، ۱۳۸۳، ص ۵۹). در تأیید این مطالب نقش پر ثمره ی نظام آموزش همگانی از جمله آموزش ابتدایی در تبدیل کردن انسانها به افرادی بالنده از نظر فرهنگی واجتماعی از یک سو، واز سوی دیگر تأمین کننده اطلاعات ودانش عمومی مورد نیاز نیروی انسانی در بخش های گوناگون خدماتی واقتصادی و.....، به ویژه در کشورهای در حال رشد است ونظر به چنین اهمیتی است که در نظام آموزش وپروش ایران توجه بیشتر به مدیریت مدارس ابتدایی، وهمچنین مدیریت اثربخش وتوانا ضرورت می باشد. اهمیت آموزش وپروورش به طور کلی وتأثیر آن برتحولات جامعه، مقطع ابتدایی به طور خاص ازبا اهمیت ترین وحساس ترین مقاطع به حساب می آید واین حساسیت واهمیت را می توان در این میان تفحص کرد که بیشترین زمان تحصیلی رادر بین مقاطع تحصیلی به خود اختصاص داده، وعلاوه برآن وبه لحاظ تاثیرپذیری ثبات وعمق یادگیری وشکل گیری شخصیت در این مرحله در مقایسه با مقطع دیگر تحصیلی ازاهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. چنانچه مدارس ابتدایی بیش از ۵۰٪ درصد از مجموعه دانش اموزان بین سنین ۶-۱۱ساله را در خود جای داده است. به تبع همین امر بیشترین کارکنان ومعلمان ومدیران آموزشی در این مقطع مشغول انجام وظیفه هستند، چنانچه در اهمیت این مقطع آمده است که: ((دوره ابتدای را از نظر تاثیر نهایی وچشمگیر آن در رشد وتوسعه اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی جوامع کنونی، صاحب نظران علم اقتصاد آموزش وپروش وعلوم تربیتی ومدیریت آموزشی، سرمایه گذاری در این دوره را به منظور تعمیم آموزش همگانی در رشد ابعاد وجود گوناگون بهترین سرمایه گذاری می دانند، وموفقیت وتوفیق در این زمینه راز شاخص های مهم رشد وتوسعه هر جامعه ذکر می کنند)) (صافی ۱۳۷۲، ص ۴۰).

دردنیای امروزه شیوه ی اداره آموزش وپروورش از اهمیت ویژه ای برخوردار است، آموزش وپروورش هر کشور اصلی ترین وحساس ترین سازمان مسؤل حفظ وتحکیم ارزش ، آموزش نسل آینده، جامعه ودر نهایت ارزش ومقام انسانهاست. این حرکت از دوره دبستان آغاز می شود ودر حقیقت اساس وپایه انسان سازی دراین دوره پایه گذاری می شود وهمچنین مهمترین مرحله تحصیل در تمام نظام های آموزش

و پرورش جهان، دوره ابتدایی است. زیرا شکل گیری و شخصیت ورشد همه جانبه فرد در این مقطع انجام می گیرد (صافی، ۱۳۷۹، ص ۴۰).

با توجه به مطالب گفته شده، دوره ابتدایی به عنوان اساس و پایه هر گونه رشد و توسعه و همچنین بالنده گی چه از لحاظ مقام و ارزش انسانی و چه از لحاظ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و...، به شمار می آید. و به همین خاطر مدیریت مدارس ابتدایی به عنوان حساس ترین مرحله نیازمند به مدیریت اثربخش، کارآمد و ماهر از هر لحاظ (انسانی، ادراکی، فنی) می باشد. برای اینکه آگاهی یابیم که کشورهای جهان چگونه توانسته اند به موفقیت در مدیریت مدارس دست یابند، ضروریست که شیوه مدیریت مدارس ابتدایی در کشورمان مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا در پرتو یافته های حاصل از آن، موانع اساسی در سرراه تحقق اهداف آموزش و پرورش بر طرف گردد. برای دستیابی به این مهم توصیف، تحلیل و مقایسه شیوه مدیریت مدارس ابتدایی کشورمان با سایر مدارس ابتدایی جهان با توجه به تأثیر عوامل و نیروها مختلف طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۴-۱ اهداف پژوهش

اهداف کلی: بررسی تطبیقی شیوه مدیریت مدارس ابتدایی در ایران با کشورهای ژاپن و انگلیس، جهت ارائه الگوی مناسب برای مدیریت مدارس ابتدایی ایران، و استفاده از تجارب کشورهای مذکور در زمینه مدیریت مدارس ابتدایی جهت ارتقای اثربخشی و کیفیت مدیریت مدارس در کشور ایران.

اهداف جزئی:

- مطالعه و بررسی سیرتغییر و تحول مدیریت مدارس در ایران، ژاپن و انگلیس
- بررسی چگونگی شیوه گزینش، تربیت و مهیاسازی، و جذب و استخدام مدیران دوره ابتدایی در ممالک مورد مطالعه
- بررسی و شناسایی نهادهای تصمیم گیرنده در مدیریت مدارس ابتدایی